



شعر واقعی، شاعر واقعی

گفتاری کوتاه از زنده‌یاد قیصر امین‌پور

اشاره:

این گفتار کوتاه، سخنان زنده‌یاد دکتر قیصر امین‌پور

است در خانه شاعران معاصر که در اردیبهشت‌ماه

۱۳۸۱ درباره ماهیت شعر و شاعر ایراد شده است.

ما اگر بخواهیم مثلاً با لحن و لهجه دستور

زبان درباره شعر سخن بگوییم باید گفت که اصولاً

زبان از هیچ کسی دستور نمی‌گیرد بجز

از خودش. مخصوصاً زبان شعر که تنها

از دل دستور می‌پذیرد. در یک کلام،

زبان شعر نه دستور می‌دهد، نه

دستور می‌گیرد. سرودن، یک

فعل مجهول است، نه از آن روی

که فاعل آن معلوم نیست، بلکه

از آن روی که فاعل حقیقی آن

معلوم نیست. شاید به همین دلیل

قدما آن را به سحر و معجزه

مانند کرده‌اند.

حکایت کسی که شاعر را فاعل

سرودن گرفت، حکایت همان موری است

که بر کاغذ می‌رفت، نبشتن قلم را دید و قلم را ستودن گرفت.

نوشتن چنانکه گفته‌اند فعل لازم است، نه متعدی.

شعر خوب، قیدها را نمی‌شناسد. در قیود زمان و مکان

نمی‌گنجد. شعر خوب از حروف اضافه پرهیز می‌کند.

شعر خوب را نمی‌توان تجزیه و ترکیب کرد. شعر خوب از مبهمات

است. شعر خوب، ماضی نقلی است که اگرچه در گذشته‌های بسیار

دور انجام گرفته باشد، ولی اثر و نتیجه آن تا زمان حال و آینده هم

باقی است.

سرودن، فعلی است که حتی بزرگ‌ترین

شاعران هم نمی‌تواند با قاطعیت آن را در

صیغه مستقبل صرف کند و بگوید: من فردا

یا پس فردا شعری خواهم سرود. و شاعر هر

چه توانا تر باشد در گفتن چنین جمله‌ای

ناتوان تر است. زیرا درست مثل آن است که

کسی بگوید: من درست در ساعت سه و سی

و پنج دقیقه شهریورماه سال هزار و سیصد و

نود، یک لبخند، با دو زاویه چهل و پنج

درجه‌ای خواهم زد! شعر، فعلی است

که در تعریف آن باید از وجه التزامی

استفاده کرد. همراه با چندین قید تردید

و حتی یای گزارش خواب. به «زبان

دیگر» نوشتن، جزو افعال بی‌قاعده

است. اگر چه افعال بی‌قاعده هم

بالاخره برای خودشان قواعدی دارند. ولی

در مجموع، هیچ‌گاه نمی‌توان گفت که قواعد،

شعرها را می‌آفرینند، بلکه در اصل شعرها، قواعد را

می‌آفرینند. و بالاخره باید گفت: برای کسی که نوشتن،

در زندگی او یک استثناست، حتماً رعایت قاعده ضروری

است. ولی برای کسی که نوشتن، قاعده زندگی اوست، اندیشیدن

به هیچ قاعده‌ای جز زندگی ضروری نیست ...

* منبع: www.poetry.ir



طرح از حسین صافی